

پروژه یکدستسازی مدرسان دانشگاه‌ها

ناظران می‌گویند موج اخراج اساتید و
برخورد انضباطی با دانشجویان آثار
مخربی بر نهاد دانشگاه وارد می‌کند

واکنش انجمن جامعه‌شناسی به
اخراج رضا امیدی: این اقدامات
ناعادلانه نارضايتيها را شدیدتر
می‌کند

گروه اجتماعی

اگرچه دوران همه‌گیری ویروس کرونا، نهاد آموزش عالی کشور را به
خواب طولانی برد و رابطه مستحکم تاثیرگذاری و تاثیرپذیری دانشگاه
و جامعه را قطع کرد اما از مهر امسال پویایی به دانشگاه برگشت و
این فضای آموزشی دوباره نبض جامعه شد؛ سرزندگی دانشگاه آن‌هم در
روزهای پرالتهاپ جامعه اما موافقان و مخالفان زیادی دارد و به
نظر می‌آید بخش وسیعی از مسوولان و تصمیم‌گیران حوزه دانشگاه، در
دسته مخالفان این پویایی قرار می‌گیرند. اگرچه در چند دهه گذشته
چندین پرونده برجسته از اخراج اساتید دانشگاه خبرساز و در یکسال
گذشته هم در چندین مرحله اخباری در این باره مطرح شد اما به نظر
می‌آید این روند در سه ماه گذشته شدت گرفته است؛ منتقدان می‌گویند
اخراج چندین استاد نامدار و تمدید نکردن قرارداد تعداد زیادی از
مدرسان دانشگاه در يك سمت و همچنین برخوردهای شدید انضباطی با
دانشجویان در سمت دیگر، نشانه‌ای از تلاش برای حذف سرزندگی دانشگاه
است. نیت هرچه که هست، روند همچنان ادامه‌دار است و در تازه‌ترین
مرحله، قرعه فال به نام «رضا امیدی» پژوهشگر برجسته و استاد گروه

توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی دانشگاه تهران، زده شده است؛ پرونده‌ای که دانشجویان آن را اخراج يك استاد موثر میدانند و انجمن جامعه‌شناسی ایران هم آن را ظلم به دانشجویان و فضای علمی دانشگاه می‌خواند. این خبر درحالی است که در ماه‌های سپری شده از عمر وزارت علوم دولت سیزدهم، چندین پرونده مشابه دیگر هم خیرساز و اساتید شاخص دیگری هم از دانشگاه کنار گذاشته شدند: محمد فاضلی و محمد راغب از دانشگاه شهید بهشتی، آرش ابازری از صنعتی شریف و حسین مصباحیان از دانشگاه تهران چند مورد از این فرآیند يك دست‌سازي مدرسان دانشگاه است. اطلاعات رسیده به «اعتماد» همچنین نشان می‌دهد که در همین مدت، اساتید دیگری هم در دانشگاه‌های شهرهای کوچک اخراج یا قرارداد همکاری آنها تمدید نشده و این پرونده‌ها تاکنون چندان رسانه‌ای نشده است. پرونده اخراج و قطع همکاری با اساتید دگراندیش اما چه جزئیات دیگری دارد و واکنش‌ها چه بوده است؟

انجمن جامعه‌شناسی ایران: آیا فریادرسی هست؟

اگرچه پرونده تدریس امیدی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، يك سال پیش هم خیرساز شده بود و در آن دوران رییس وقت دانشکده توضیحاتی مطرح کرده بود اما بیانیه تازه انجمن جامعه‌شناسی ایران نشان می‌دهد که مشکل همچنان پابرجاست. در متن واکنش هیات‌مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران به اخراج امیدی آمده است که «متأسفانه باخبر شدیم که قرارداد همکاری آقای دکتر رضا امیدی استاد گروه توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی دانشگاه تهران لغو شده و ایشان عملاً از دانشگاه اخراج شده‌اند. بسیاری از اساتید همکار و دانشجویان ایشان، با انجمن تماس داشته و ابراز تأسف کرده‌اند که از خدمات علمی و ارزشمند همکاری گرامی و ارجمند و استادی برجسته و توانا محروم می‌شوند. اعضای هیات‌مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران نیز از این خبر به شدت متأثر شده و این‌گونه مطالبی که دارد هر روز بر دانشجویان و اساتید دانشگاه وارد می‌شود و عرصه علم و دانشگاه را مکدر می‌سازد ناروا دانسته و باور دارند که این اقدامات ناعادلانه، موجب تشدید نارضایتی در میان اساتید و دانشجویان شده و بر ساحت علم و دانشگاه آثار مخربی بر جای خواهد گذاشت. تا کی باید منتظر این بی‌عدالتی‌ها بود و پیش چه کسی باید این تظلم‌ها برده شود؟ آیا فریادرسی هست؟» این پرونده اما سر دراز دارد؛ پیش‌تر و در بهمن ۱۴۰۰، «غلامرضا جمشیدیها» رییس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران با تأکید بر اینکه حکم دکتر امیدی به دلایل گزینشی تمدید نشده، به ایسنا گفته بود: «موارد علمی و

آموزشی دلیل این قطع همکاری نبود بلکه برای استخدام، فرد باید موردتایید منابع گزینشی نیز قرار بگیرد.»

بی‌عدالتی؛ «خفت دادن معلمی که همواره کرامت انسانی را پاس میداشت»

پرونده استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران البته تنها پرونده خبرساز این روزها درباره وضعیت برخورد با اساتید دانشگاه نیست و در چند هفته گذشته پرونده اخراج «حسین مصباحیان»، عضو هیات علمی گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران هم رسانه‌ای شد. او در متنی که اوایل آذر منتشر کرد، در این باره نوشته بود: «از بهمن ۱۳۸۵ که به گروه فلسفه دانشگاه تهران پیوستم تاکنون که شانزده سال از آن می‌گذرد، همه مصایب را تحمل کردم و ماندم تا شاید به گمان خود بتوانم نقش اندکی در کمک به فلسفه‌ورزی پیرامون مسائلی که واقعا مساله باشند، ایفا کنم. اخراج شدم ولی اعتراض کردم و برگشتم؛ فرآیندی که هفت سال طول کشید زُنه سال از این شانزده سال را به صورت حوالتدریس و بدون قرارداد استخدامی در گروه‌های فلسفه تاریخ و ایران‌شناسی خدمت کردم و باز هم ادامه دادم. اینک اما که بار دیگر و این‌بار همراه با پیگیری مصرانه ریاست فعلی دانشکده ادبیات در

از کار انداختن هر سه پرونده تمدید، تبدیل و تغییر وضعیت، فاقد قرارداد استخدامی و در عمل اخراج شده به حساب می‌آیم، اندازه اجحاف را از اندازه تحمل خود بیشتر می‌بینم و ضمن اعلام انصراف از پیگیری‌های بی‌حاصل حقوقی و قانونی، آن‌هم در شرایطی که حقوق مهم‌تر مردم به رسمیت شناخته نمی‌شود کناره‌گیری ناگزیر خود از ادامه کار در دانشگاه را اعلام می‌دارم.»

درباره این پرونده هم بعدتر «عبدالرضا سیف» رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با انصاف‌نیوز اخراج مصباحیان را رد کرد و مدعی شد که آماده گفت‌وگو با این استاد با سابقه دانشگاه است؛ مصاحبه‌ای که بار دیگر واکنش مصباحیان را به همراه داشت و او این‌بار در نوشته‌ای مفصل با جزییات به این پرونده پرداخت و در پایان نوشت: «در مورد اصل پرونده اینجانب هم بر این نکته تاکید می‌کنم که حتی اگر دانشگاه تهران، تمام حقوق مادی پرداخت نشده اینجانب در فاصله سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ را پرداخت کند، تمام پایه‌های معوقه را اعطا کند، به پرونده‌های تغییر و تبدیل وضعیت سریعا رسیدگی کند، عضویت اینجانب در هیات علمی را به رسمیت بشناسد و از این پس هم دست از سر من بردارد، باز هم يك عذرخواهی فروتنانه بزرگ بابت تحمل بی‌عدالتی این دوران، تلف کردن

وقتي که براي ما اهل فلسفه عزيزترين و شريفترين دارايي است و «خفت دادن» (به تعبير يك استاد عزيز فلسفه) به يك معلم در پيچ و خم هزارتوي سيستم فشل اداري کشور بدهکار است؛ آنهم به معلمي که تلاش کرده هيچگاه کسی را خفيف نکند و همواره کرامت انساني هر انساني را پاس دارد؛ معلمي که در اين شانزده سال دم برنياورده است و در پايان ۱۶ سال همکاري عذاب‌آور، مسوولانه اعلام کرده است و بر آن پاي مي‌فشرد که «خود را با نتيجه رسيدگي، بدون پيگيري‌هاي قانوني و مدني بعدي» تطبيق خواهد داد. آقاي رييس محترم دانشگاه، هم اطهارات رييس دانشکده مي‌ماند، هم پرونده استخدومي من در دانشگاه مي‌ماند، هم اين عريضه مي‌ماند و هم واکنش شما به اينهمه بي‌عدالتي؛ چه اين واکنش سکوت باشد، چه رفع ستم باشد و چه دستوري براي ستم بيشتري. انتخاب به عهده شما است!»

«زمينه گفت‌وگو در دانشگاه رفع محدوديتهاست»

برخورد با اساتيد دانشگاه در يك سمت و احضار دانشجويان به کميته‌هاي انضباطي و صدور احکام شديد، انتقادات فراواني را در هفته‌ها و ماه‌هاي گذشته هم به همراه داشته است؛ نامه مورخ ۲۴ مهر ماه روساي چهار انجمن علوم اجتماعي به وزير علوم درباره لزوم گفت‌وگو و رفع محدوديت از دانشجويان و اساتيد يکي از اين موارد است. در آن نامه ضمن تشریح شرايط اعتراضات آن روز جامعه و مطرح کردن راهکارهايي، درباره شرايط دانشگاه و فشار بر دانشجويان و اساتيد هم آمده بود: «از شما به عنوان وزير علوم دعوت ميشود مبدع اين سلسله گفت‌وگوها به ميزباني انجمن‌هاي علمي علوم اجتماعي باشيد. چنانچه موافقت شود و زمينه مناسب براي آن فراهم شود، تلاش خواهد شد تا نهاد گفت‌وگوهاي اجتماعي در انجمن‌هاي علمي تاسيس شده و در مجموعه نشست‌ها، اهالي علوم اجتماعي با ديده‌گاه‌هاي متفاوت بر سر تحليل رخدادها و مسائل اجتماعي روز به گفت‌وگو بپردازند. البته استحضار داريد که گفت‌وگو، نیازمند فضاي علمي و دانشگاهي مورد اطمینان است. نمیشود برخي از اهالي دانشگاه به‌ويژه دانشجويان اين حوزه در بند بمانند و دانشگاه که پایگاه انجمن‌هاي علمي است محفل گفت‌وگو شود. نمیشود برخي از اساتيد مبرز (مانند دکتر رضا اميدي و دکتر محمد فاضلي) تهديد به اخراج و ايجاد تنگناهاي شغلي گردند و ما شاهد نشست‌هايي باشيم که از سوي قاطبه اهالي علم اعم از استاد و دانشجو مورد استقبال قرار گيرد. از اين رو، انجمن‌هاي علوم اجتماعي، همزمان با درخواست براي تاسيس نهاد گفت‌وگويي، خواستار تلاش جناب‌عالي براي آزادي کليه دانشجويان بازداشت شده که فرزندان ما هستند و نيز رفع تنگناهاي ايجاد شده براي اساتيدي است که

سالهاست در تبیین و شناساندن مسائل اجتماعی و نقد سیاست‌های ناکارآمد شناخته شده هستند. باشد تا با حضور آنان در دانشگاه، چراغ اندیشه و انگیزش برای این سرزمین، همیشه روشن و تابان بماند.» این نامه هم چندان خواننده نشد و راه‌حل‌هایش مورد توجه مسوولان و وزیر علوم قرار نگرفت، چراکه روند برخورد با دانشجویان و حذف برخی اساتید همچنان ادامه دارد.

م:؛ ۱۴۰۱ ۸ ۱۴۰۱